

در سوگ

استاد گرانقدرم

شجاع الدین شفا

استاد شجاع الدین شفا، پدر حرکت روشنگری عصر

کنونی ایران

رخت از جهان بر کند و به جاودانگی پیوست

استاد شجاع الدین شفا، ادیب نامدار، مترجم سرشناس، پژوهشگر فرزانه ایران، پدر حرکت روشنگری عصر کنونی کشورمان بود. فرزانه شجاعی که در یکی از تاریکترین ادوار تاریخ ایران مشعل خردورزی را بر افروخت و با تکیه بر فرهنگ شکوهمند ایران، نبرد گسترده ای را با تاریک اندیشانی که سرنوشت کشور و ملت ما را به دست گرفته اند آغاز کرد.

شجاع الدین شفا تا پیش از بهمن ماه سال 1357 تمام توان و همت خود را صرف خدمت به فرهنگ و ادبیات ایران کرد. زمانی هم که حکومت مذهبی در ایران برپا شد، با دور اندیشی و آشنایی به تاریخ سرزمینمان، با نوشتن کتاب «ایران در چهار راه سرنوشت» که آن را «نامه ای سرگشاده به همه فرزندان ایران» نامید. آینده تاریک کشور و ملت ایران را به تصویر کشید و به رویارویی با حکومت جهل و خرافات حاکم بر ایران برخاست. و در این راه تا آخرین روزهای عمر خود که به بستر بیماری افتاد، از پا ننشست.

آثار ارزشمندی که استاد از دست رفته ما در طول سی سال گذشته ارمغان هم میهنان خود کرده، نشان دهنده این واقعیت است که در طول تاریخ 1400 ساله ایران کمتر فرزانه ای به این وسعت و گستردگی با جهل و خرافات به مبارزه پرداخته است. مبارزه ای که

بیش از هزار و دویست سال پیش در اوج اقتدار حکومت دینی عباسی به همت بزرگمرد تاریخ ایران روزبه پسر دادویه (ابن مقفع) آغاز گردید و در دوران ما با سلطه حکومت دینی جمهوری اسلامی به همت بزرگمرد دیگر ایران، شجاع الدین شفا و همفکرانش با شدت و وسعت بیشتر ادامه پیدا کرد.

از عجایب روزگار این که روزبه پسر داودیه در اوج اقتدار حکومت دینی عباسیان، با برگرداندن آثار پیش از اسلام ایران به زبان عربی و نمایاندن گراندوری فرهنگ و اندیشه های ایرانی، مبارزه خود را با حکومت اشغالگر روزگار خود آغاز کرد و در این زمان نیز در اوج اقتدار حکومت دینی آخوندها، شجاع الدین شفا با برگردان نوشته های پس از اسلام به فارسی، پرچمداری همان حرکت را بر عهده گرفت و به مبارزه با حکومت آخوندهای اشغالگر امروز ایران پرداخت.

مبارزه ای که هدف از آن، نخست آگاهی دادن به فرزندان ایرانزمین بود تا بدانند، راه و روش هزار و چهار صد سال پیش اسلام اعراب با روند زندگی امروزه آنان در هزاره سوم میلادی و در عصر تمدن نوین جهانی سازگاری ندارد. دیگر این که به آخوندهای ایرانی نیز بفهماند و بقبولاند که زمان، دیگر زمان دین بازی و دین سالاری و حکومت های دینی قرون وسطایی نیست. دوران دکانداری دینی و بهره برداری از ایمان مردم نیز سپری شده است.

دریغ و دردا! که استاد شجاع الدین شفا، هنوز سخن ها برای گفتن، رازها برای گشودن و رهنمودها برای نوشتن و پراکندن داشت که فرصت نیافت تا همه این اندوخته های عمر پر بارش را ارمغان فرزندان سرزمین خود کند. فرزندان سرزمینی که به قدر جان خود، آنها را دوست می داشت.

افسوس! که او نیز از دست رفت! و نماند تا ثمره بذرهای خرد و خردمندی را که در میان هم میهنانش

پراکنده بود ببینند، و شاهد آزادی ملت خود از سلطه حکومت دینی باشد.

بی شک تلاش های سرسختانه ای که استاد برای بیداری و آگاهی مردم سرزمین خود کرده است، به فراموشی سپرده نخواهد شد. هم میهنانش او را نیز مانند بزرگمرد تاریخ ایران، روزبه دادویه که آغازگر حرکت روشنگری ایران پس از اسلام بود، ارج خواهند گذاشت.

به یقین نام و یاد خدمات استاد شفا به فرهنگ ایران، در تاریخ کشورمان به بزرگی جاودانه خواهد ماند و آیندگان نیز مانند همفکران امروز او، راه و روش استاد را دنبال خواهند کرد. چنانکه از هم اکنون شاگردان و پیروان مکتب او راهش را پی گرفته اند و حرکتی را که وی با همفکران و همزمانش آغاز کرده بود، دنبال می کنند. کسانی که امید دارند و می کوشند تا فروغ چراغ عصر روشنایی ایران را به سرتاسر ایران بگسترانند تا آرزوی همه خردمندان ایران را که پیروزی روشنایی بر تاریکی و خرد اهورایی بر جهل اهریمنی است، برآورده سازند.

با از دست دادن استاد گرانقدر، دریغ است که یادی از همسر مهربان وی بانو کلودین شفا نکنیم. بانویی که در سی سال گذشته بویژه در سالهای کهولت استاد، همیشه یار و یاور او بود و با عشق و علاقه از همسر ادیب و فرزانه خود پرستاری کرد. سپاس همه دوستان و علاقمندان استاد شجاع الدین شفا هدیه این بانوی گرامی باد.

هوشنگ معین زاده

پاریس شنبه 28 فروردین ماه 1389